



صداهایی برای کسب هویت:

چندزبانگی و چندآوایی در رمان‌های خانم دلووی و چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم

محسن معصومی^{۱*}

مریم رشیدی‌نژاد^۲

چکیده

مقاله حاضر می‌کوشد نظریه‌های باختین در زمینه صدا را در بررسی رمان‌های خانم دلووی اثر ویرجینیا وولف و چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم اثر زویا پیرزاد به کار گیرد. این مطالعه از طریق خوانش باختینی، به مقایسه دو رمان مذکور می‌پردازد تا تفاوت صداهای موجود در این دو اثر از دو نویسنده‌ی زن با فرهنگ‌های کاملاً متفاوت مشخص شوند. برای دستیابی به این هدف، این نوشتار بر مفاهیم و نظریه‌های مرتبط با نظام چندزبانگی و چندآوایی باختین متمرکز شده است. اگرچه این دو اثر تا کنون به وسیله منتقدان مختلف و با خوانش‌های متنوعی بررسی شده‌اند اما مطالعه‌ی هویت شخصیت‌ها در پرتو مفاهیم نظری باختین و همچنین جنبه مقایسه‌ای تحقیق، اهمیت پژوهش فعلی را بیشتر نمایان می‌کند. مقایسه دو رمان برخی شباهت‌ها و اختلاف‌های فرهنگی نویسندگان زن این آثار را مشخص می‌رسد که غرض نویسنده در تعیین نقش شخصیت‌ها در هر دو رمان برگرفته می‌کند. چنین به نظر از نظرگاه‌های مشابه است اگرچه این نظرگاه‌ها در گفتمان اجتماعی و فرهنگی کاملاً متفاوتی آفریده شده‌اند. فرآیند آفرینش هویت هر شخصیت در این دو رمان که نتیجه صداهای متنوع موجود بوده و به واسطه ماهیت اجتماعی زبان به هم متصل شده‌اند، در پرتو نظریه باختین مطالعه و بررسی می‌شود. واژگان کلیدی: چندزبانگی، رمان چندآوایی، گفتمان فرهنگی، خانم دلووی، چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم

^۱ استاد‌یار زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنج (نویسنده مسؤول)

^۲ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج